

# عتبات عالیات عراق در سفرنامه ادیب الملک

غلام رضا گلی زواره

## نسخه‌شناسی و معرفی اجمالی اثر

روزنامه سفر (سفرنامه) عتبات عالیات که مؤلف، آن را «دلیل الزائرین» نامیده، اثری است از «عبدالعلی خان ادیب‌الملک» از خاندان مراغه‌ای، فرزند حاج علی خان و برادر بزرگ محمدحسن خان اعتمادالسلطنه (صنیع‌الدوله). برخی تصور کرده‌اند این گزارش درباره سفر ناصرالدین شاه قاجار به عراق عرب است که با واقعیت تطبیق نمی‌کند.<sup>۱</sup> از این سفرنامه دو نسخه موجود است: یکی به خط مؤلف که خوش تحریر گردیده و در خانواده آن مرحوم نگه‌داری می‌شده است. این نسخه را دکتر محمد مقدم در اختیار ایرج افشار نهاده و ایشان در پیش‌گفتار کتاب «دافع الغرور» از آن خبر داده است.<sup>۲</sup> نسخه دیگر به خط نستعلیق است، به شماره ۱/۶۳۲۷ مربوط به سده سیزدهم، موجود در کتابخانه ملک. مسعود گلزاری در تنظیم و تهیه متن کتاب به عنوان مصحح سفرنامه، نسخه خانواده مؤلف را که اعتبار افزون‌تری دارد، اساس کار خویش قرار داده و برای رفع کاستی‌ها و برخی افتادگی‌ها، از نسخه کتابخانه ملک بهره برده است، این اثر در سال ۱۳۶۴ش با عنوان «سفرنامه ادیب الملک به عتبات» توسط انتشارات دادجو، در قطع وزیری و در ۳۹۸ صفحه به همراه فهرست‌های فنی به زیور طبع آراسته شده است.

## نگاهی به زندگی مؤلف

«عبدالعلی خان ادیب الملک» فرزند بزرگ حاج علی خان مقدم مراغه‌ای (حاجب الدوله) که مادرش دختر ملا احمد مراغه‌ای معروف به «مستجاب الدعوه» است، در پنجم شعبان ۱۲۴۳ق<sup>۳</sup> در شهر مراغه به دنیا آمد. سه سال اول را در زادگاهش گذراند و سپس وی را به تهران آوردند. در ۱۲۵۸ق سمت «نایب ناظر حاجب الدوله» را یافت و به حکومت کاشان منصوب گردید. در ۱۲۷۰ق به لقب «ادیب الملکی» ملقب گردید. در سال‌های ۱۲۷۹ و ۱۲۹۲ق حاکم قم بود. در ایامی که پدرش حاج علی خان، وزیر دادگستری بود، ادیب الملک به سال ۱۲۸۱ق معاون وزارت دادگستری گردید. در ۱۲۸۵ق وزیر



## آغاز کتاب

سفرنامه با ستایش خداوند به سبکی ادبی آغاز می‌شود:

واجب الوجودی را سجد است که عالم امکان از پرتو وجودش موجود است و جهانیان را ربّ ودود و حضرت معبودی را درود است که موجودات را عین مقصود است و منبع فضل وجود:

آن است که عقل‌ها در او حیران است

بیرون ز خیال و عالم امکان است

اندر همه جا هست و ندارد جایی

پیداست، ولی ز دیده‌ها پنهان است

حیّ قدیمی که ابدی است و سمیع و علیمی که سرمدی است. هر که بینی، او را در جست‌وجوست و هر کجا نشینی، از او گفت‌وگوست. قادری که عالم امکان را از کتم بیرون کشید و خالق‌ی که جهان و جهانیان را از عشق و محبت آفرید. محمد ﷺ [را] آفرید که دو میمش در حقیقت مایه ملک است و حایش دریای رحمت را فلک.

دالش نشانه دوام است و شافع روز قیام. و پس از آن، ابن عم وصیّ بالاصل بلافصلش علی بن ابی طالب ﷺ را برگزید که واسطه مابین خدا و بنده است و با محمد ﷺ از یک نورش بدانید که مر شما را به حق رساننده است و دولتش همیشه پاینده. یازده فرزند ارجمندش همه مظهر ذات خدایند و کارشان از کار سایر بندگان جدا. سیما حسنین که یکی را دست تمنا باده تولا در جام کرد و یکی را شاهد شهادت ساغر، محبت در کام. او پای‌بست طره طرار یار شد و این تا قیامت مست رخسار دلدار.<sup>۹</sup>

مؤلف در سبب نگارش کتاب نوشته است:

سال‌ها بود که شوق شرفیابی آستان ملک پاسبان امیر مؤمنان و مولای متقیان ﷺ در سر و ذوق زیارت شهید راه خدا ابا عبدالله الحسین ﷺ و سایر شهدا در دل بود؛

ولسی بخت معاند و اقبال نامساعد از وصول آن فیض عظمی و مراتب کبرایم بازداشت و همه امیدم بر طاق حرمان گذاشت ... تا این که

وظایف و اوقات گردید. در ۱۲۸۸ق به حکومت گلپایگان و خوانسار منصوب شد و سپس در همین سال، تغییر سمت داده به حکومت سمنان و دامغان برگزیده شد و بعد از فوت محمدحسن خان اعتمادالسلطنه به سال ۱۳۱۳ق ملقب به «اعتماد السلطنه» گردید.<sup>۴</sup> وی را نباید با میرزا صادق ادیب الممالک فراهانی سردبیر روزنامه «ادب» که در تهران انتشار می‌یافت، یکی انگاشت.<sup>۵</sup> عبدالعلی خان، پدر محمدباقر خان اعتمادالسلطنه و تقی خان احتساب‌الملک می‌باشد.<sup>۶</sup>

ظاهراً عبدالعلی خان در کارنامه کارگزاری خود، نسبت به دیگر والیان عصر ناصری، وضع بهتری داشته و می‌کوشیده اسباب آرامش اهالی منطقه را فراهم سازد. برخی تدین او را مورد توجه قرار داده‌اند.<sup>۷</sup>

اثر دیگر وی روزنامه سفر (سفرنامه) آذربایجان با نام «دارالغرور» می‌باشد. وی به دلیل فسادی که از ناحیه میرزا صادق قائم مقام (عموزاده میرزا آقاخان نوری، صدر اعظم) در امر پیش‌کاری آذربایجان پیدا شد، به سال ۱۲۷۵ق از سوی ناصرالدین شاه مأمور شد تا به آنجا برود و با نظر میرزا فضل‌الله نوری (وزیر نظام) به این ماجرا رسیدگی کند.<sup>۸</sup>

---

• ظاهرأ عبدالعلی خان در کارنامه کارگزاری خود، نسبت به دیگر والیان عصر ناصری، وضع بهتری داشته و می‌کوشیده اسباب آرامش اهالی منطقه را فراهم سازد. برخی تدین او را مورد توجه قرار داده‌اند.

---

مؤلف، سفر خویش را در صبح چهاردهم ۱۲۷۳ق از تهران آغاز کرده است و از شهرهای همدان، کرمانشاه و قصرشیرین گذشته و به بغداد، کاظمین، سامراء، کربلا رفته و سپس راهی نجف اشرف شده است. از آنجا، از راه خشکی به بغداد و از بغداد به قصر شیرین، کرمانشاه و کنگاور بازگشته و از راه فرعی ساروق (شهری نزدیک اراک) به قم رفته و چند روزی را در این دیار مقدس استراحت کرده است؛ آن‌گاه از راه کناره دریاچه حوض سلطان در روز دوشنبه ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۲۷۳ق به تهران بازگشته است. در سفرنامه او گزارش‌ها، دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها با انشایی روان و کمتر غلط، ضبط و ثبت شده است و از محتوایش چنین برمی‌آید که شعر نیز می‌سروده و «واله» تخلص می‌کرده است.

در ایام عاشورا دست‌خط مرخصیم صادر گردید. صبح چهاردهم محرم الحرام سنه ۱۲۷۳ هجری [قمری] از خانه حرکت کرده، از دروازه دولاب (از دروازه‌های قدیمی تهران) با چند نفر از احباب بیرون آمدم.<sup>۱۰</sup>

• مؤلف، سفر خویش را در صبح چهاردهم ۱۲۷۳ ق از تهران آغاز کرده است و از شهرهای همدان، کرمانشاه و قصر شیرین گذشته و به بغداد، کاظمین، سامرا، کربلا رفته و سپس راهی نجف اشرف شده است.

#### ورود به بغداد و کاظمین

دوشنبه بیست‌وهفتم صفر المظفر پیش از طلوع آفتاب برخاسته، خود را به لباس نظام آراسته، مقارن تپه سلام،<sup>۱۱</sup> صبح صادق دمید و وقت نماز گردید. پیاده شده، دوگانه به حکم معبود یگانه به جای آورده که هنگام طلوع آفتاب رسید و گنبد مطهر منور کاظمین علیه السلام چون شعاع نور و شعله طور، از دور نمایان گردید. جذب شوق، بی‌خبرم از خود کرده، ایستاده مختصر زیارتی نمودم.<sup>۱۲</sup>

بغداد شهری بزرگ و نیکوست و یک فرسنگ دوره اوست. هر طرفی پنجاه برج دارد. سه دروازه دارد که راهگذار از آن جا راه می‌سپارد؛ یکی دروازه عجم است که مشهور به دروازه معظم است؛ یکی دروازه سلطانی است و یکی دروازه سلمان است که از آن جا گذشتن، به نهایت آمال شیعیان است. بغداد در اصل «باغ داد» بوده است.<sup>۱۳</sup>

از بغداد کهنه تا کاظمین، یک فرسنگ بیشتر است و صفای راهش بی‌حد و امر؛ زیرا که مقام وصول است و خاطر به حصول مرام، مشغول. گذشتن از جسر (پل) و آب، اول بغداد کهنه است و قلب عاشق به زلال عنایت جوادین (امام کاظم و امام محمدتقی علیه السلام) تشنه. به حمام رفته، غسل نموده، احرام زیارت بستم و رشته تعلق از همه علائق گسستم، که یکی از خدام با احتشام که آقا سید محمد نام داشت، تشریف آورده [ما را] با همراهان داخل صحن مبارک گردانید و به آمال دل‌م رسانید. پیوسته در این مضمون می‌سفتم و می‌گفتم:

آن بهشتی را که حق فرمود و ما را وعده داد

راستی گر خواهی آن، این است ای دل شاد باش  
در آن جا زیارت مختصری نموده، آمده بر در رواق مهر اشراق مانده، به مضمون «لا تدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن لکم» دعای اذن خواندم و پاک یزدان را سجودی نمودی، سر بر آستان آن دو نبیره پیغمبر آخرالزمان سوادم. با کمال عجز و انکسار چون بندگان ارادت شعار، داخل بقعه مطهر منور جوادین امام موسی کاظم و امام محمد تقی علیه السلام گشتم و این فرد (تکبیت) را بر صفحه خاطر نوشتم:

این منم یا رب که می‌گردم به کوی دوست  
یا که می‌بینم به خواب و یا که می‌باشد خیال

• بر در رواق مهر اشراق مانده، به مضمون «لا تدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن لکم» دعای اذن خواندم و پاک یزدان را سجودی نمودی، سر بر آستان آن دو نبیره پیغمبر آخرالزمان سوادم. با کمال عجز و انکسار چون بندگان ارادت شعار، داخل بقعه مطهر منور جوادین امام موسی کاظم و امام محمد تقی علیه السلام گشتم

بالجمله کاظمین به قدر هزار خانوار جمعیت دارد. پنج رباط و چهار حمام دارد. باغاتش بسیار و نخلستانش بیش از عرض و اظهار. صحن مبارک کاظمین یکصدوسی ذرع<sup>۱۴</sup> است از حسب عرض و طول. جناب امام موسی و جناب امام محمدتقی علیه السلام در میان یک ضریح مدفون می‌باشند که از پولاد است؛ لیکن صورت قبر مطهر منور آن دو بزرگوار که مایه امیدواری زواران ارادت‌بنیاد است. قبه مبارک آن دو حجت خدا یکی است و لیکن گنبد از خارج (بیرون) دوتاست و هر دو طلاست. چهار مناره بزرگ دارد که طول هر یک، چهل ذرع است و چهار مناره کوچک که از نصف به بالا طلاست. ایوان مطهر نیز طلاست و هر گاه از جواهر باشد، به جاست. در پشت سر حضرت، مسجدی بسیار بزرگ است که یک درش از میان قبه مطهر است. قبه منور را نیز سلاطین صفویه ساخته‌اند و به آن واسطه خود را در قبه‌های بهشت انداخته‌اند. میان قبه سقف و دیوار کلاً طلاست. در وسط صحن مبارک بقعه‌ای است که دو نفر از اولادهای امام موسی علیه السلام در آن جا مدفون می‌باشند.<sup>۱۵</sup>

## به سوی سامرا

روز هفتم ربیع‌الاول، سه ساعت به غروب مانده، از کاظمین عازم «سرمن‌رأی»<sup>۱۶</sup> شده، آن شب را در مکان باصفایی به سر بردم. چون صبح برآمد و هنگام توقف به سر، سوار شدم و از راه علی‌آباد برای سرمن‌رأی رهسپار. زواران بسیاری در آن راه همراه بودند و به مسرت راه آن منزل می‌پیمودند تا این‌که پنج ساعت از روز گذشته، وارد رباط جدید گردیدیم و به منزل رسیدیم؛ زیرا که دارالسلام بغداد الی جدیده پنج فرسنگ است و راهش هموار و بی‌سنگ. از رباط جدید الی ینکیجه چهار فرسنگ است و از همواری راهش نه جای توقف و درنگ. در راه دهات بی‌شمار دارد و آبادانی بسیار. ینکیجه به قدر بیست خانوار رعیت داشت و نخلستان خرمای خوب برآرد. همه آب آن محال (محلات) از رودخانه دیاله است. از ینکیجه تا خان‌نچار پنج فرسنگ است. شش ساعت از روز گذشته، وارد خان‌نچار شده، آسودیم و به راحت غنودیم... چون صبح طالع شد، نماز کرده از خان‌نچار بار بستیم و بر باره همت نشستیم. از خان‌نچار تا سرمن‌رأی شش فرسنگ است. اکثر این راه جنگل است و عبورش بسیار مشکل... به آب‌انباری که یک فرسنگی سامره است رسیدیم. از آن‌جا حصاربندی شهر سامرا و گنبد مطهر عسکریین پیدا گردید و روان تشنه‌ام به زلال عنایت رسیده. در آن‌جا از دور زیارت کردیم و آن یک فرسنگ (باقی‌مانده) را نیز سپردیم.

چون آقا سید حسین کلیددار پیشتر آدم فرستاده بود، خانه نایب سامره را خالی کرده وارد شدیم و پس از ورود، به حمام رفته، غسل زیارت کرده، بیرون آمدیم و مهیای زیارت شدیم. در آن بین آقا سید علی، پسر آقا سید حسین کلیددار آمده، به اتفاق او داخل صحن مبارک شده و به درب آستان جناب امام علی النقی و امام حسن عسکری علیهما السلام سر سوده، عرض نمودم:

ای خاک آستان تو کحل البصر مرا  
در هر دو کون سوی تو باشد نظر مرا  
از راه دور آدمم اینک به درگهت  
دارم امید آن‌که نرانی ز در مرا  
اذنم بده که تا نهمت سر بر آستان

بدا نثار بارگهت جان و سر مرا  
ای آل مصطفی نظری سوی «واله»<sup>۱۷</sup>  
بخشا کنون به حضرت خیرالبشر مرا

بعد از آن داخل آستان مبارک امامین همامین گردیدم و به مراد دل رسیدم. با کمال راحت زیارت کردم و بر آستانشان سجودی آوردم. پس از آن در پشت سر جناب امام عسکری علیه السلام زیارت نرجس‌خاتون (والده امام زمان) نموده، در زیر پای امام حسن علیه السلام زیارت حکیمه‌خاتون، دختر امام علی النقی علیه السلام را کرده، طواف مرقد مطهرشان می‌کردم... بقعه هیچ‌یک از ائمه، به بزرگی این بقعه مبارک نیست و گنبد منور نیز بزرگ‌تر از سایر گنبد‌های ائمه هدی است. به قدر یک کمر بند در دوره گنبد طلا شده و مابقی از گچ سفید است. یک ایوان بزرگ دارد از طرف قبله و یک کفش‌کن. اصل بنای گنبد و صحن از [زمان] صفویه بوده است؛ لیکن احمدخان دنیلی تعمیر نموده است. ضریح مقدس از پولاد است و میان بقعه مطهر تا دو ذرع از دیوار، سنگ است که نصب نموده‌اند و از هر دو ذرع به بالا تا سقف، آئینه است و بارگاه مبارک بسیار باشکوه است و دو منار در دو طرف گنبد مطهر است که هر یک تخمیناً بیست ذرع است و صحن مبارک از حسب طول و عرض نود ذرع در نود ذرع است. صحن دیگر در پشت سر است که آن نیز چهل [و] پنج ذرع طول و همان قدر عرض دارد.

• به قدر یک کمر بند در دوره گنبد طلا شده و مابقی از گچ سفید است. یک ایوان بزرگ دارد از طرف قبله و یک کفش‌کن. اصل بنای گنبد و صحن از [زمان] صفویه بوده است؛ لیکن احمدخان دنیلی تعمیر نموده است. ضریح مقدس از پولاد است

بعد از زیارت عسکریین علیهما السلام عزم زیارت حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام نموده، آمده، داخل مسجد مطهر شده در برابر درب سرداب مبارک ایستاده، نخست سر بر آستان همایونش سودم و با ارادت چنان می‌سرودم و عرض می‌نمودم:

جان‌ها فدای جان تو یا صاحب‌الزمان  
سرها بر آستان تو یا صاحب‌الزمان  
تو صاحب‌زمانی و ما جمله بندگان  
هستیم در امان تو یا صاحب‌الزمان



پس از دعای اذن، داخل سرداب مبارک شده، در کَریاس (درگاه) سرداب ایستاده، اذن دیگر که وارد شده [است] خواندیم و داخل سرداب گردیدیم و زیارت نمودیم. ایوانی که چاه غیبت آن حضرت در آن جاست، تخمیناً دو ذرع و نیم طول و دو ذرع و نیم عرض دارد و چنان می‌نماید که مجموع آن ایوان از چوب مُنَبَّت [کاری] ۱۸ بوده؛ چنان که قدری از آن باقی است و کتیبه دور که به خط کوفی نوشته‌اند، [هنوز] باقی است. و چاه در اول، چاه نبوده است؛ بلکه چون محل غیبت بوده است، از کثرت برداشتن خاک به جهت تیمن و تبرک تخمیناً به قدر دو ذرع گود است. سنگی از مرمر تراشیده‌اند [مربع شکل] و بر در چاه گذاشته‌اند و آن ایوانچه را برای سرداب مبارک مثل صندوقخانه می‌باشد و اصل سرداب چهار ذرع عرض و هفت ذرع طول دارد و در پشت سرداب از برای کسی که رو به قبله ایستاده باشد، یک سرداب دیگر است که نماز زیارت را، چه مرد و چه زن، در آن جا [اقامه] می‌کنند و از کَریاس تا بالا که داخل مسجد می‌شوند، بیست پله دارد و گنبد مسجد از کاشی است و آن مسجد صحنی ندارد و از کفش‌کن که داخل می‌شوی، ایوانی است و از ایوان رو به قبله داخل مسجد می‌شود و از طرف دست چپ سرداب مبارک است و صحن مبارک مسجد و سرداب صاحب الزمان عرضاً و طولاً هفتاد ذرع است.

هوای سامرا چون بهشت است و خاکش عنبر سرشت. چون حضرت امام علی النقی (ع) را از مدینه طیبه خارج کردند و به سامره آوردند، می‌فرمودند: «خرجت من المدینة کرها و دخلت بسرّ من رأی کرها و إن خرجت منها خرجت کرها.» شخصی عرض کرد: از چه بابت این فرمایش را می‌فرمایید؟ فرمودند: «لطیف هوائها و قلة دائها و عذب مائها؛ یعنی به جهت پاکیزگی هوایش و کمی دودش و شیرینی آبش.»<sup>۱۹</sup> چون ده روز توقف سر آمد و عید مولود جناب پیغمبر (ص) به بر، در صبح عید زیارت نمودم و نوکرها را تأکید کردم تا من از زیارت مراجعت کنم، بارها را بار کرده و اسبها را در زیر زین حاضر کنید. بالاخره عزیمت از سامره هفدهم ماه ربیع‌الاول بود و کمیت تقدیرم از راهی که رفته بود، مراجعت نمود.<sup>۲۰</sup>

#### زیارت اصحاب رسول اکرم (ص)

از کاظمین تا سلمان [مدائن] هفت فرسنگ تمام است و زیارت آن حضرت لازم به فرموده امام است. در وسط راه آب [رودخانه] دیاله است که از یعقوبیه<sup>۲۱</sup> می‌آید و در آن جا به [رودخانه] دجله می‌ریزد و بر او می‌افزاید. نیمه راه را نیز سپرده، وارد صحن جناب سلمان گشتیم. با کمال نیازمندی و خرسندی، در بقعه

آن جناب داخل گشته، زیارت نمودیم. روز دیگر به تماشای طاق کسری رفتیم. از صحن جناب سلمان تا طاق کسری به قدر پانصد قدم است و زیاده از حد آن طاق، بزرگ و محتشم است. دهنه طاق بیست و پنج ذرع و طولش پنجاه ذرع و ارتفاعش چهل ذرع است و دو پیش‌ایوان نیز هر یک بیست و پنج ذرع است و از سقف طاق، همان جایی که در [هنگام] تولد جناب خاتم انبیا شکست خورده بود، الان [سال ۱۲۷۳ق] خراب شد [و] آجرهایش ریخته و از یکدیگر گسیخته است.

از طاق کسری تا بقعه حذیفه بن یمان و عبدالله که از اصحاب جناب پیغمبر اکرم می‌باشند، دوهزار قدم است و ایشان نیز از صحابه محترم. داخل صحن ایشان که می‌شوی، در برابر ایوانی است. از میان ایوان طرف دست راست، مقبره حذیفه است و در طرف چپ، مقبره عبدالله؛ هر یک صندوقی از چوب دارند. بعد از زیارت آن جا، مراجعت به منزل نموده، آن روز و آن شب را نیز در خدمت جناب سلمان بوده [سپس] مراجعت نمودم ... وارد بغداد شده و از جسر گذشته، به کاظمین (ع) وارد شدیم و مهیای شرف‌یابی به عتبات عالیات عرش درجات گشتیم.<sup>۲۲</sup>

• هوای سامرا چون بهشت است و خاکش عنبر سرشت. چون حضرت امام علی النقی (ع) را از مدینه طیبه خارج کردند و به سامره آوردند، می‌فرمودند: «خرجت من المدینة کرها و دخلت بسرّ من رأی کرها و إن خرجت منها خرجت کرها.» شخصی عرض کرد: از چه بابت این فرمایش را می‌فرمایید؟ فرمودند: «لطیف هوائها و قلة دائها و عذب مائها؛ یعنی به جهت پاکیزگی هوایش و کمی دودش و شیرینی آبش.»

#### از کاظمین تا کربلا

در روز سیم ماه ربیع‌الثانی در اول طلوع [آفتاب] شرفیاب حضور جوادین (ع) شده، مرخصی حاصل کرده، به منزل آمده، سوار شدیم و به آرزوی زیارت جناب سیدالشهداء رهسپار [گردیدیم]. چون از بغداد کهنه گذشتیم ... از آن جا سوار شده، به رباط خان‌زاد که از کاظمین تا آن جا پنج فرسنگ است، رسیده، وارد شدیم و منزل کردیم. از خان‌زاد تا [شهر] مصیب [مسیب] شش فرسنگ است و هر دو فرسنگ راه، یک رباط است از برای توقف و درنگ. دو فرسنگی خان‌زاد، خان‌بیرونس [خان‌یونس، خان‌نصف] است و

در زمستان و تابستان از برای متردین بهترین مونس و از خان بیرونس تا خان مزارقچی دو فرسنگ است ... نزدیکی [شهر] مصیب که گنبدهای مقبره محمد و ابراهیم [اطفلان مسلم بن عقیل] پدیدار گردید و روانم متألّم گردید، خود را بر آستانه ایشان کشیدم و به مرام و مقصود دل رسیدم. نخست زیارت نموده، نماز [اقامه] کردم. [مرقد] طفلان مسلم دو گنبد از کاشی دارند و هر دو صورت قبر مطهر ایشان در زیر یک بقعه است. صحن کوچکی با روح و صفا دارند.

• وارد صحن جناب سلمان گشتیم. با کمال نیازمندی و خرسندی، در بقعه آن جناب داخل گشته، زیارت نمودیم. روز دیگر به تماشای طاق کسری رفتیم. از صحن جناب سلمان تا طاق کسری به قدر پانصد قدم است و زیاده از حد آن طاق، بزرگ و محتشم است. دهنه طاق بیستوپنج ذرع و طولش پنجاه ذرع و ارتفاعش چهل ذرع است و دو پیش‌ایوان نیز هر یک بیستوپنج ذرع است و از سقف طاق، همان جایی که در [هنگام] تولد جناب خاتم انبیا شکست خورده بود، الان [سال ۱۲۷۳ ق] خراب شد [و] آجرهایش ریخته و از یکدیگر گسیخته است.

از مصیب تا کربلای معلی پنج فرسنگ است و همه کس را آنجا اصل و قصد و آهنگ. وقت برآمدن آفتاب از آنجا حرکت کرده، احرام طواف کوی جناب ابا عبدالله الحسین علیه السلام بستیم و بر باره امید نشستیم. در وسط راه به تپه سلام رسیدم و خود را بالای تپه کشیدم. اگرچه از کثرت نخلی که تازه رسیده و بلند گردیده است، گنبد مطهره پیدا نیست، لیکن زیارت نمودم و سر به خاک آن تپه مبارک سودم. پس از آن راه پیمودم. از یک فرسنگ‌ونیم به کربلا مانده، نخلستان است و متصل باغ و بستان. یک فرسنگی کربلای معلی پل سفید است و گذشتن از آنجا برای زوّار، مایه امید. همه‌جا در زیر سایه نخلستان حسینی می‌رود و هر وقت آن آب و نهر را می‌بیند، چند [قطره] اشک می‌ریزد و آه از دل می‌کشد. بالجمله به شهر کربلای معلی وارد نشده، در بیرون دروازه یکی از خدّام به استقبال رسید و هادی گردید. به خانه حاجی غلامعلی شماعی که در جوار [بارگاه] حضرت عباس علیه السلام است، منزل کردیم. به حمام رفته، غسل کرده، وقت غروب داخل صحن مبارک شده، آستانه عرش‌نشان شهید راه خدا و غریب مظلوم سر از تن

جدا حضرت ابی‌عبدالله الحسین علیه السلام را بوسیدم. پس از آن، آستان عرش‌نشان را بوسیده، بر در ایستاده، دعای اذن خوانده، داخل آن بقعه مطهر منور شدم. در برابر ضریح مبارک آن غریب تشنه‌کام و وحید مظلوم ایام و قبله انام ایستاده، با عجز و نیاز زیارت نمودم. بعد به آستان ملک پاسبان خسرو ناس حضرت عباس علیه السلام آمده، غبار درگاهش را به چشم ارادت کشیده و زمین بوسیده، دعای اذن خوانده، داخل بقعه مطهر منورش گردیدم.

• از یک فرسنگ‌ونیم به کربلا مانده، نخلستان است و متصل باغ و بستان. یک فرسنگی کربلای معلی پل سفید است و گذشتن از آنجا برای زوّار، مایه امید. همه‌جا در زیر سایه نخلستان حسینی می‌رود و هر وقت آن آب و نهر را می‌بیند، چند [قطره] اشک می‌ریزد و آه از دل می‌کشد. بالجمله به شهر کربلای معلی وارد نشده، در بیرون دروازه یکی از خدّام به استقبال رسید و هادی گردید.

بالجمله بعد از زیارت، به منزل مراجعت کردم و شکر این نعمت به جای آوردم. روز دیگر عالی جناب سید درویش را که زیارتنامه‌خوان و از جمله ذاکرهای سیدالشهداء علیهم السلام است، گفتم خیال زیارت خیمه‌گاه دارم. در همان وقت به خیمه‌گاه مشرف شدم؛ دیدم مجلس تعزیه‌داری فراهم است و زمان اشک و آه و ماتم. سید درویش حسینی کیش در آن روز چنان روضه خواند که زمین و آسمان به گریه درآمد. خیمه‌گاه در بیرون دروازه قبله است و از صحن مطهر تا آنجا به قدر هزار قدم بیشتر است و در زمین پستی واقع است و به ترکیب (شکل) چادر قلندری (چادری که سقف گنبدی و ستونی در میان دارد) ساخته‌اند. در پیش روی آن چادر، از دو طرف تمثال کجاوه‌ها را از گچ و آجر طرحی انداخته‌اند و دیواری در اطرافش کشیده، طاق‌نماها دارد و در گوشه دست راست صحن آنجا اتاقی است مشهور به حجله قاسم علیه السلام. در زیر خیمه‌گاه، چاهی است که مشهور به چاه حضرت عباس علیه السلام است و مردم تیمناً و تبرکاً از آن چاه آب کشیده، صورت خود را می‌شویند و بر قاتلان جناب سیدالشهداء علیهم السلام لعنت می‌گویند. قبر محمد بن فهد حلّی که یکی از علمای مشهور است، در باغ خیمه‌گاه است. وقت غروب، مراجعت به خدمت جناب سیدالشهداء علیهم السلام نموده، زیارت کردم و به منزل رفتم و سپاس پاک یزدان گفتم.<sup>۲۳</sup>

### در وصف برخی بناهای کربلای معلی

کربلای معلی قلعه محکمی دارد و درون آن تخمیناً نیم‌فرسنگ است و مکان متوقفین از مجاور و مسافر تنگ. آن قلعه را صد سال پیش از این اصف‌الدوله هندی کشیده و به تمنای دنیا و آخرت خود رسیده. شش دروازه دارد: دروازه بغداد، دروازه نجف، دروازه خیمه‌گاه، دروازه حرّ، دروازه امام جعفر صادق علیه السلام و یکی باب‌الخان. چهار مسجد دارد که یکی مشهور به مسجد سنی که قاضی عسکر در آنجا نماز اقامه می‌کند و دیگری مسجد میر سید که علی‌نقی مجتهد [در آن] نماز [اقامه] می‌کند و یکی مسجد مادر شاه مغفور که جناب حاج میرزا محیط در ظهرها، در آنجا نماز [اقامه] می‌کند و مسجد بالای سر مبارک حضرت امام شهید غریب. و چهار مدرسه دارد: یک مدرسه گوشه صحن مبارک است که حسن‌خان ابروانی ساخته و یکی مدرسه هندی و یکی مدرسه میرزا علی‌نقی و یکی مدرسه ترک‌ها. سقاخانه صحن مبارک پنج باب است. شش نفر مجتهد معروف دارد؛ یکی حاج میرزا علی‌نقی طباطبا و یکی شیخ محمد طاهر رشتی و یکی شیخ محمدحسین قزوینی و یکی حاج میرزا محیط و یکی شیخ زین‌العابدین مازندرانی و یکی ملا آقا دربندی.

به قدر شش‌هزار خانه در کربلای معلی است و روی هم، هر خانه را شانزده نفر برآورد کرده‌اند که صد هزار جمعیت عرب و عجم است. صحن مبارک جناب سیدالشهداء علیه السلام شش درب دارد: باب قبله، باب قاضی‌الحاجات، باب صحن کوچک، باب الصدر، باب سلطان و باب زینبیه. صحن مبارک نود ذرع طول و هفتاد ذرع عرض دارد.

باب قبله از دو طرف باب، چهارده حجره تحتانی و فوقانی دارد و در دالان باب قبله، سقاخانه‌ای است که آقا سید ابراهیم مجتهد قزوینی ساخته است و از طرف باب قبله که کسی داخل می‌شود، مقابل ایوان طلاست که درب رواق و بقعه مطهر منور جناب سیدالشهداء علیه السلام از میان ایوان طلاست و گنبد مطهر منور با دو سه مناره‌های دو طرف ایوان نیز طلاست که خاقان آغامحمدخان قاجار طلا کرده است و اصل بنای بقعه مطهره را آل‌بویه ساخته و بعد صفویه تعمیر کردند و از ایوان داخل سقیفه می‌شود و از سقیفه سه درب پهلوی یکدیگر دارد که داخل قبر مبارک می‌شوند. بالجمله در زیر آن بقعه مکرم که رفیع‌تر از عرش است، در هر ساعتی هزار صاحب‌درد رنگ‌زرد و با چشم اشک‌آلود و اشک خون‌پالود، سر ارادت بر آن آستان نهاده‌اند و بر روی هر کس باب اجابت گشاده‌اند.

ضریح مبارک آن حضرت، یکی از پولاد است و یکی از نقره و در میان دو ضریح، صندوق مبارک و در زیر صندوق مطهره منوره، مدفن انجم‌پاکی که بی‌سر است و پاره پاره از تیر و نیزه و شمشیر و خنجر است؛ یعنی غریب وحید، آشکار کننده کلمه توحید،

قلب پاک پیغمبر، سرور دل امیرالمؤمنین حیدر، پاره جگر حضرت فاطمه زهرا علیه السلام، گوشواره عرش خدا، آن که اسباب مغفرت برای جهانیان است؛ آن که مهرش وطن اصلی مخلوقات است و آن که ولایتش مایه نجات است؛ آن که آفریدگارش خود را مسئول دیت خون او نمود (یا ثارالله و ابن ثاره)؛ آن که تربتش شفای بیماران است و دعای هر داعی در تحت قبّه‌اش قبول حضرت یزدان، و آن که ائمه هدی از ذریه اوست و آن که در قیامت، مغفرت بسته به شفاعت اوست؛ یعنی امام اباعبدالله الحسین علیه السلام.

در پایین پای مبارک حضرت، متصل به ضریح مبارک جناب سیدالشهداء علیه السلام ضریح مطهر منور شبیه پیغمبر و نور دیده حیدر، جوان هجده ساله حسین تشنه‌جگر حضرت علی‌اکبر علیه السلام است. بالجمله سایر شهداء در زیر پای علی‌اکبر مدفونند و همگی آغشته به خون، و از پشت سر مبارک، مسجد بزرگ است که متصل به بقعه مطهر است و پشت سری‌ها در آنجا نماز اقامه می‌کنند و از درب صحن کوچک که داخل می‌شوی، طرف یمین، منار کاشی است که مشهور به منار کاکاست و از آنجا به بقعه مطهر سه کفش کن دارد و از طرف قبله، دو کفش کن و از درب زینبیه که داخل می‌شوی در آنجا نیز دو کفش کن دارد.

قبر اشخاص مشهوری که در رواق مبارک است (از طرف باب قبله که داخل می‌شوی به طرف شرقی):

قبر مرحوم محمدعلی میرزا، پسر مرحوم خاقان مغفور فتح‌علی‌شاه و چسبیده به بقعه مطهره، پهلوی آن در یک صندوق، قبر سید علی و آقا باقر بهبهانی؛ قبر مرحوم امین‌الدوله هندی؛ قبر مرحوم میرزا تقی‌خان امیرکبیر؛ قبر مرحوم حاج میرزا آغاسی؛ قبر جهانگیر میرزا؛ پسر مرحوم نایب‌السلطنه؛ قبر حاج ملا صالح قزوینی؛ قبر میرزا مهدی شهرستانی؛ قبر حاج مهدی کلیددار.

از باب قاضی‌الحاجات که داخل می‌شوی و از باب صحن کوچک:

قبر آقا سید ابراهیم قزوینی؛ روبه‌روی آن، قبر آقا سید مهدی، برادر آقا سید محمد و شیخ محمدحسین صاحب‌اصول. در دالان صحن کوچک، قبر شیخ‌الاسلام قزوینی است و قبر آقا سید مهدی پدر میرزا صادق، داماد آقا سید محمد. قبر آقا حسین، پدر حاجب‌الدوله در پهلوی سقاخانه دولتی [است].

قتلگاه جای اشک و آه و ناله جانکاه است. نظر به این که رواق و بقعه مطهر را کرسی‌وار ساخته‌اند، چهار پله می‌خورد تا داخل قتلگاه می‌شود و الان بلاتشبهه مثل سرداب کوچکی است. و جای قتلگاه دورش محجر سنگ دارد و رویش دری دارد و چون تربت از آنجا پیش از این‌ها برداشته بودند، بسیار گود شده است و از قتلگاه که بیرون

می‌آیی، قبر حبیب بن مظاهر است که والده آقاخان، ضریح برنجی از برای وی ساخته است. و سعادت آن پیرمرد شهید آن قدر بوده است که مثل قاپوچی [حاجب، دربان]، ضریح وی در درب بقعه مطهر اتفاق افتاده که زوار در اول ورود و بیرون آمدن از حرم، آن پیرمرد شهید باسعادت را زیارت می‌کنند.

صحن مبارک حضرت عباس را مرحوم حاجی محمدحسین ساخته است و به اتمام گنبد مبارک و دو منار کاشی را نیز او با کمال ارادت پرداخته است. پنج درب دارد: درب قبله، درب غربی دو عدد و درب شرقی و [درب] شمالی دو باب و مناره‌ها تخمیناً هر یک، سی ذرع طول دارد. از ایوان که داخل رواق مطهر می‌شوی، یک در است و از رواق، دو درب است که داخل بقعه منور می‌شود و ضریح مبارک، یکی از پولاد است و یکی از نقره، و علم‌های بسیار در میان بقعه مطهره آویخته‌اند و اشک زوار را در آن جا ریخته‌اند. همه روزه در ایوان و رواق مبارک روضه‌خوانی می‌شود.<sup>۲۴</sup>

• و جای قتلگاه دورش محجر سنگ دارد و رویش دری دارد و چون تربت از آن جا پیش از این‌ها برداشته بودند، بسیار گود شده است و از قتلگاه که بیرون می‌آیی، قبر حبیب بن مظاهر است که والده آقاخان، ضریح برنجی از برای وی ساخته است.

#### عزیمت به جانب کوفه

در هفدهم ماه ربیع‌الثانی، پیش از طلوع فجر، شرفیاب آستان امام شهید وحید، گشته و مظلوم و مقهور دشمن، گوشواره عرش خدا جناب سیدالشهداء علیه السلام گردیدیم و بر اسب‌های خودمان سوار شده، با همراهان بعد از سه ساعت از روز گذشته، به مقدم (مقدم) رسیدیم که از دروازه کربلا که مشهور به دروازه نجف است تا مقدم سه فرسنگ است و به قدر پانصد قدم که از دروازه خارج می‌شوی، مسجدی است که میرزا نصرالله اردبیلی زمین آن جا را خرید و مرحوم آقا سید کاظم آن جا مسجدی ساخت. ملا عبدالصمد همدانی در این مکان مدفون است.

بالجمله یکی را مأمور به گرفتن و اجاره کردن طرّاده (قایق و زورق بادبانی تندرو) نمودم و خود با همراهان در لب شط فرات به نهار خوردن مشغول شدیم تا این که طرّاده گرفتند و حمل و نقل اسباب نمودند. خود با همراهان به یک طرّاده نشستیم. مدت

سواری طرّاده، نظر به نبودن باد، این هشت فرسنگ با توقف برای نماز، هفت ساعت طول نکشید و در آن اوقات به آن زودی کسی به منزل نرسید ... تا این که به مسجد کوفه رسیدیم و از طرّاده پیاده گردیدیم؛ بقیه آن شب را در قهوه‌خانه‌ای که از نی ساخته بودند، آرمیدیم.

از مقدم تا مسجد کوفه، به [حسب] قدم، دوهزار قدم است. از در که داخل می‌شوی، رباطی است که محل توقف مکاری (آن که اسب و شتر کرایه می‌دهد) است. به طرف چپ که داخل می‌شوی، صحن کوچک است که در یک جنبش حوض آب و چاه است که زوار با وضو داخل مسجد شوند و در طرف دیگر، حمامی است که بحرالعلوم ساخته و الان دایر است و به جهت تطهیر، همیشه گرم و موجود است. اصل مسجد صدوپنجاه قدم طول و صدوسی قدم عرض دارد و سه طرف مسجد حجرات است که زوار در آنها منزل می‌کنند و در صحن مسجد سردابی است مشهور به بیت الطشت و در هر مقامی میان مسجد تختی ساخته‌اند از آجر و نیز محرابی ساخته‌اند. طرف قبله مسجد، دیگر حجره ندارد. در سه طرف هفتادوپنچ حجره است که همه با درب محفوظ است.

• از مقدم تا مسجد کوفه، به [حسب] قدم، دوهزار قدم است. از در که داخل می‌شوی، رباطی است که محل توقف مکاری (آن که اسب و شتر کرایه می‌دهد) است. به طرف چپ که داخل می‌شوی، صحن کوچک است که در یک جنبش حوض آب و چاه است که زوار با وضو داخل مسجد شوند و در طرف دیگر، حمامی است که بحرالعلوم ساخته و الان دایر است و به جهت تطهیر، همیشه گرم و موجود است.

از طرف دست چپ که داخل می‌شوی، از وسط مسجد راهی دارد که به صحن دیگر می‌رود. به آن صحن که رفتی در کنج سمت راست، متصل به مسجد، مقبره مطهر مسلم بن عقیل است که بقعه دارد و ضریحی از چوب و بر روی آن ضریحی از برنج ساخته‌اند و از طرف دست چپ باز در گوشه‌ای متصل به مسجد، مقبره هانی بن عروه است که قبر مطهرش از آجر است و هنوز کسی اقدام به ساختن ضریحی و صندوقی نکرده است؛ لیکن بقعه برایش ساخته‌اند. و به قدر چهل قدم دور از بقعه هانی بن عروه، در کنار صحن، قبر مختار ابن ابوعبیده ثقفی است که مرحوم آقا سید کاظم آن را پیدا کرده و لوحی بیرون آمد و معلوم شد که قبر مختار است. در آن جا نیز حجرات ساخته‌اند و



دیوارش بلند و متصل به دیوار مسجد کوفه است که هر کس از خارج نگاه می‌کند، چنان می‌نماید که یک مکان است. بر سر درب مسجد نیز مناری است. بلندی دیوار مسجد به قدر دوازده ذرع می‌شود و از بنای قدیم مسجد کوفه به جز دیوار رو به قبله، دیگر آثاری نیست و همه تازه‌ساز است. در وسط مسجد یک ستون سنگی است که برای شاخص و تعیین ظهر شرعی کار گذاشته‌اند [که] به قدر سه ذرع طولش می‌شود.

• در کنار صحن، قبر مختار ابن ابوعبیده ثقفی است که مرحوم آقا سید کاظم آن را پیدا کرده و لوحی بیرون آمد و معلوم شد که قبر مختار است. در آنجا نیز حجرات ساخته‌اند و دیوارش بلند و متصل به دیوار مسجد کوفه است که هر کس از خارج نگاه می‌کند، چنان می‌نماید که یک مکان است. بر سر درب مسجد نیز مناری است.

#### دوازده مقام مسجد کوفه

- مقام اول: ستون چهارم، مقام حضرت ابراهیم علیه السلام؛
- مقام دوم: وسط مسجد است که مشهور به مقام پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است؛
- مقام سیم: ستون هفتم، مقام حضرت آدم؛
- مقام چهارم: ستون پنجم، مقام جبرئیل و امام حسین علیه السلام است؛
- مقام پنجم: ستون سیم، دگه حضرت سجاد است؛
- مقام ششم: در قبله است که خانه حضرت امیر علیه السلام بوده است؛
- مقام هفتم: محراب و مصلای حضرت است که در آنجا به درجه شهادت فایض شدند؛
- مقام هشتم: دگه حضرت امام صادق علیه السلام است؛
- مقام نهم: دگه القضای حضرت امیر؛
- مقام دهم: بیت الطشت است؛
- مقام یازدهم: مقام حضرت خضر؛
- مقام دوازدهم: مقام حضرت نوح علیه السلام <sup>۲۵</sup>.

از درب مسجد کوفه بیرون آمده، به درب خانه مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام آمدیم. درب خانه مبارک آن حضرت در سابق، از طرف قبله مسجد کوفه بوده و حال از خارج است؛ زیرا که آن خانه قدیم، حال نیست. اصل عمارت همان است، لیکن درب را تغییر داده‌اند. از درب

خانه که الان هست، داخل که می‌شوی، دو اتاق دارد با حیاط کوچکی و چاه آبی دارد و دالان باریک است. داخل صحن خانه مبارک که می‌شوی، رو به قبله که می‌ایستی، طرف دست چپ، یک ایوان بزرگی است و در کنگی آن یک اتاق کوچک بی‌قرینه و طرف دست راست یک ایوان کوچک‌تر است و از پهلوی ایوان داخلی، اتاقی می‌شود و از آن اتاق داخل چهار صغه می‌شود سرپوشیده که در گوشه آن چهار صغه، یک اتاق کوچک نمازخانه دارد و در میان آن چهار صغه، تختی بسته‌اند و از گچ سفید کرده‌اند و مشهور است که حضرت امیر را بر روی آن تخت بعد از شهادت غسل داده‌اند و در پشت‌بام آن چهار صغه، قبه ساخته‌اند که کاشی کنند. بعد از زیارت، از آن خانه مبارک بیرون آمده سوار شدیم. <sup>۲۶</sup>

#### از مسجد اعظم کوفه تا نجف اشرف

از مسجد کوفه تا نجف اشرف یک فرسنگ و نیم است. بالجمله به همان میمنت و اقبال آمده تا این که به دروازه نجف اشرف رسیدیم و چون در اوقات توقف کربلای معلی فرشباشی حضرت عالی جاه آقا محمد ابراهیم، کاغذ نوشته و وعده گرفته بود، به خانه او وارد شدیم و از هر جهت آسوده گردیدیم. بعد از ورود، با همراهان به حمام رفته، غسل زیارت کردیم و رو به آستان ملک پاسبان شاه‌مردان و شیر یزدان آوردیم. چون به در صحن مبارک رسیدیم، غبارش بر دیده کشیدیم؛ ادعیه درب صحن و ورود صحن خواندیم و خود را با هزار عجز و نیاز و حسرت، نزدیک کفشدار رساندیم و آستان مبارک را بوسیده خود را به میان عرششان کشانیدیم و عرض کردیم:

جان‌ها فدای جان تو یا مرتضی علی  
مائیم دوستان تو یا مرتضی علی  
داریم امید آن که شمارند جمله را  
در سلک چاکران تو یا مرتضی علی

پس از آن، آقا سید سلیمان سرکشیک، دعای اذن خوانده، آستان ملک پاسبان را بوسیده و از باب اول داخل رواق گردیده، ایستادیم و در [مقابل] درب بقعه مطهره منوره دعای اذن دیگر خوانده، روی نیاز با هزار حسرت بر زمین مالیده و به آمال خود رسیدیم. پس از آن داخل بقعه مطهر گردیده در پیش روی مبارک ایستاده، زیارت کردیم و بعد از نماز مغرب مراجعت به منزل کردم.

در شب جمعه، بیست‌وششم ماه ربیع‌الثانی سنه ۱۲۷۳ [ق] از دروازه بزرگ به قصد زیارت اهل قبور وادی‌السلام بیرون رفتیم. از دروازه که خارج شوی، به طرف یسار، به

مبارک داخل بقعه منور می‌شوند و ضریح مبارک از نقره است و در زیر ضریح نقره، ضریح پولاد است و در میان ضریح پولاد، صندوق مطهر است.

• دیوار قلعه نجف را مرحوم حاجی محمدحسین خان صدر اصفهانی کشیده است. دور شهر نجف اشرف به قدر چهار هزار قدم است و چهار صد مسجد دارد و علت بسیاری مساجد این است که چون در اوایل، مردم جرأت نداشته‌اند که مهر بگذارند و در مساجد بزرگ نماز کنند (به دلیل سلطه دولت عثمانی) لهذا در اکثر خانه‌ها مسجدهای کوچک ساخته‌اند که سه نفر و چهار نفر نماز می‌کردند.

#### تشریح به مسجد سهله

در دوشنبه غره جمادی‌الاول سنه ۱۲۷۳ هجری وقت طلوع آفتاب به شرف آستان‌بوسی امیرالمؤمنین مشرف شده، زیارت کردم. پس از زیارت مراجعت به منزل کرده و از نجف اشرف حرکت کرده، در بقعه [ای] که سیدمحمد و فاطمه اولاد سید سجاد مدفون می‌باشند، زیارت کرده، از آن جا به تپه [ای] که قبر چهل نفر از صحابه حضرت است و ایشان را شهید کرده‌اند که از آن جمله یکی کمیل بن زیاد است. و از آن جا که گذشتیم، قبر میثم تمار است؛ در آن جا نیز زیارت کرده وارد مسجد کوفه شدیم...

در شب چهارشنبه سیم جمادی‌الاول با همراهان به مسجد سهله مشرف شدیم. در درب مسجد سهله دعاها را بخواند، داخل مسجد شدیم و یک روح و صفایی در آن مسجد دیدم که در هیچ گلستانی آن طور صفا ندیده بودم...

در وسط مسجد سهله مقامی است که هر کسی در شب سه‌شنبه مابین نماز مغرب و عشاء، [در] آن [جا] دو رکعت نماز [اقامه] کند و دعایش را بخواند، هر مطلب دارد، به اجابت نزدیک می‌شود و چهار گوشه مسجد چهارخانه و مقام است: مقام ادريس نبی که دو رکعت نماز با ادعیه دارد؛ مقام حضرت ابراهیم خلیل؛ مقام حضرت داود و مقام صالحین که در هر مقام دو رکعت نماز و ادعیه دارد. به طرف قبله مسجد، یکی مقام حضرت صاحب الامر (عج) و یکی مقام سید سجاد عليه السلام است. در آن جا نیز نماز و اعمال به جای آوردیم. از مسجد کوفه تا مسجد سهله تخمیناً نیم فرسنگ می‌شود. بالجمله به مسجد کوفه مراجعت کرده، شب را در آن جا به سر برده، دو ساعت از روز گذشته، در بقعه حضرت یونس زیارت کرده و از آن جا به مقدم آمده با آقامحمد ابراهیم ارباب و

قدر پانصد قدم که می‌روی، اول قبرستان وادی‌السلام است. باطن آن قبرستان معلوم است که بهشت جاودان است و مکان ارواح مؤمنان؛ لیکن در ظاهر نیز قبرستانی به آن شکوه و به آن طراوت و روح در ربع مسکون نیست و مقبره مطهر هود و صالح پیغمبر در آن جا و هر دو در زیر یک بقعه و قبرهاشان چسبیده و متصل به یکدیگر است.

پس از فاتحه اهل قبور، با کمال بهجت و سرور، به مقام حضرت صاحب الامر زیارت کرده و از دروازه کوچک که راه طرف دریاست (از طریق رودخانه) مراجعت به شهر کردیم و به مقام سید سجاد عليه السلام که در پهلوی صفاست رفتیم. صفا در وقتی که از دروازه کوچک نجف اشرف داخل می‌شوی، به طرف یمین است و در دالان آن صفا، قبر پادشاه یمن است. دیوار قلعه نجف را مرحوم حاجی محمدحسین خان صدر اصفهانی کشیده است. دور شهر نجف اشرف به قدر چهار هزار قدم است و چهار صد مسجد دارد و علت بسیاری مساجد این است که چون در اوایل، مردم جرأت نداشته‌اند که مهر بگذارند و در مساجد بزرگ نماز کنند (به دلیل سلطه دولت عثمانی) لهذا در اکثر خانه‌ها مسجدهای کوچک ساخته‌اند که سه نفر و چهار نفر نماز می‌کردند.

صحن مبارک امیرمؤمنان عليه السلام هفتاد و دو ذرع طول و هفتاد و دو ذرع عرض و چهار باب دارد. باب طوس دری است که مقابل ایوان طلاست و کتیبه ایوان آن در نیز طلاست. در بالای آن سردر، ساعت بزرگی است که همه شهر را آن ساعت اخبار می‌دهد. باب شرقی رو به بازار عابروش‌ها و یکی باب قبله است و یکی باب شمالی است.

از طرف باب طوس که داخل صحن مطهر می‌شوی، برابر [ت] ایوان طلاست و ایوان و دو منار و گنبد مطهر منور طلاست که نادر [شاه افشار] طلا کرده است و از باب اول که داخل می‌شوی، رواق است و چیز غریبی که در آن جا ملاحظه شد، این است که بعد از نماز مغرب به قدر هزار نفر بیشتر از طلاب که به قدرت، دوپست نفر از آنها مجتهد می‌باشند، هر شب در آن جا مباحثه علمی می‌کنند.

از رواق به [سوی] بقعه مطهره دو باب باز است که از پایین پای

پسرهایش وداع کردیم.

غروب آفتاب به نزدیکی ذی‌الکفل رسیدیم.<sup>۲۷</sup> ذی‌الکفل قلعه‌ای است که از آجر و آهک ساخته‌اند و در سربلندی اتفاق افتاده (در سربالایی ساخته شده) و بالاخانه‌ها و منظره‌های خوب به طرف دریا [رودخانه] دارد. تعدادی یهودی آن‌جا منزل دارند. یهودی‌ها از اطراف و اکناف عالم آن‌جا به زیارت می‌آیند. خدامش همه یهودی‌اند. بقعه دارد و صندوقی و روی صندوق را پرده کشیده و علم‌ها آویخته و به جای کتیبه، به خط یهودی [عبری] نوشته‌اند. از آن‌جا که گذشتیم به تپه نمرودی رسیده و در پایین آن تپه، مقام به آتش انداختن حضرت ابراهیم خلیل است. از آن‌جا که گذشته، به قریه اوینه رسیدیم.<sup>۲۸</sup>

ادیب‌الملک بعد از توقیفی کوتاه در روستای طویرج (بین راه نجف و کربلا) در ششم جمادی‌الاول وارد کربلائی معلی شده و پس از زیارتی مختصر، عازم کاظمین و بغداد گردید و از طریق خانقین به قصرشیرین آمده و با عبور از مناطقی چون سرپل ذهاب، کرمانشاهان، بیستون، کنگاور، حمیدآباد، دیزآباد (از توابع اراک)، ساروق (جزو شهرستان فراهان)، سیاوشان (جزو شهرستان آشتیان) چهرود (از توابع قم) خود را به قم رسانید.

---

• ذی‌الکفل قلعه‌ای است که از آجر و آهک ساخته‌اند و در سربلندی اتفاق افتاده (در سربالایی ساخته شده) و بالاخانه‌ها و منظره‌های خوب به طرف دریا [رودخانه] دارد. تعدادی یهودی آن‌جا منزل دارند. یهودی‌ها از اطراف و اکناف عالم آن‌جا به زیارت می‌آیند.

---

وی در بیست‌وسوم جمادی‌الثانی وارد قم شد و پس از زیارت آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و برخی امام‌زدگان دیگر، ملاقات با عده‌ای از علما و رجال سیاسی، به تهران بازگشت. او که در سال ۱۲۸۷ ق حکمران قم بود، در سفرنامه‌اش گزارشی از حرم مطهر این شهر و برخی ویژگی‌های جغرافیایی و تاریخی آن ارائه نموده است. ادیب‌الملک پس از مأموریت حکمرانی در قم، ساوه و زرنند، به ریاست مجلس شورای عدلیه برگزیده شد و در این سمت بود که در ۲۸ ذی‌حجه ۱۳۰۲ ق برابر سکتی قلبی درگذشت.<sup>۲۹</sup>

### پی‌نوشت

۱. احمد متزوی، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، شماره ۵۴، مؤسسه منطقه‌ای، ج ۶، تهران، ۱۳۵۳، ص ۴۰.
۲. میکروفیلم آن به شماره ۳۷۴۹ در کتاب‌خانه مرکزی دانشگاه تهران نگه‌داری می‌شود. رک: فهرست میکروفیلم [کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۲، ص ۲۴۲].
۳. مهدی بامداد سال تولدش را ۱۲۴۵ هجری نوشته است. رک: شرح حال رجال ایران، ج ۲، ص ۲۷۰.
۴. همان، ج ۲، ص ۲۷۰.
۵. عباس قدیانی، فرهنگ جامع تاریخ ایران، ج ۱، ص ۹۰.
۶. شرح حال رجال ایران، ج ۲، ص ۲۷۰؛ مقدمه روزنامه خاطرات اعتماد السطنه، ایرج افشار.
۷. مقدمه سفرنامه مأموریت آذربایجان ادیب‌الملک در ۱۲۷۵ هجری، به کوشش ایرج افشار، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۹، جزوه شرح حال خاندان اعتماد مقدم، مهدی اعتماد، تهران، ۱۳۴۷، ص ۲۳.
۸. دافع‌الغرور، به کوشش ایرج افشار، مقدمه کتاب.
۹. ص ۲ سفرنامه.
۱۰. ص ۸ و ۷ سفرنامه.
۱۱. تپه‌ای است بر سر راه بغداد که از فرازش بارگاه کاظمین و بخشی از این شهر دیده می‌شود.
۱۲. ص ۸۲ و ۸۳ سفرنامه.
۱۳. ص ۸۶ سفرنامه.
۱۴. هر ذرع برابر یک متر و چهارصدم متر است.
۱۵. ص ۹۲ و ۹۳ سفرنامه.
۱۶. سرمن‌رأی = سامرا؛ شهری در سه فرسنگی شمال بغداد بر ساحل شرقی دجله؛ از شهرهای باستانی بین‌النهرین که بعد از چند بار ویرانی در ۲۲۱ هجری توسط معتصم عباسی تجدید بنا شد و مقر فرماندهی او گردید. متوکل عباسی بر عمران آن افزود. مرقد امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام در این شهر است.
۱۷. «والله» تخلص عبدالعلی خان ادیب‌الملک در اشعارش می‌باشد.
۱۸. نقش برجسته به گل و گیاه و مانند آن است که بر روی چوب ایجاد کنند.
۱۹. در منابع روایی حدیث این‌گونه درج گردیده است: «أُجْرَجَتْ إلی سِرْمَنْ رَأَى كَرهًا وَلَوْ أُجْرَجَتْ عَنْخَارِجَتْ كَرهًا... لَطِيفُ هَوَانِهَا وَ غَدْوَةٌ مَانِهَا وَ قَلَّةُ دَانِهَا»؛ شیخ صدوق، الأمالی، ص ۲۸۱؛ ابن‌شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۱۱۷؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۱۲۹.
۲۰. برگزیده‌ای از صفحات ۹۴ - ۱۲۰.
۲۱. نام درست آن «بعقوبه» یا بعقوبا است؛ شهری کهن در عراق و بر ساحل رود دیاله است و طبق آمارهای اخیر حدود ۱۷۰ هزار نفر سکنه دارد. نام بعقوبه از واژه آرامی به معنای خانه یعقوب گرفته شده و به لحاظ مواصلائی، حاصل خیز بودن و نخلستان‌ها و باغ‌های مرکبات، اهمیت فراوانی دارد و راه‌آهن بغداد - اربیل از آن می‌گذرد.
۲۲. ص ۱۳۴ - ۱۳۶ سفرنامه.
۲۳. گزیده‌هایی از ص ۱۳۹ - ۱۵۷.
۲۴. گزیده‌های از ص ۱۵۷ - ۱۶۵.
۲۵. هر کدام از این مقام‌ها نمازها و ادعیه‌هایی مختص خود دارد که در کتب ادعیه و آثار مربوط به مسجد کوفه آمده است.
۲۶. گزیده‌ای از ص ۱۶۵ - ۱۷۳.
۲۷. ذوالکفل از پیامبران بنی‌اسرائیل است که نامش دوبار در قرآن آمده؛ در سوره انبیاء آیه ۸۵ و سوره ص آیه ۴۸. ذوالکفل لقب حزقیال بنی است.
۲۸. رک: ص ۱۹۹ - ۲۰۸.
۲۹. دافع‌الغرور، به کوشش ایرج افشار، مقدمه کتاب.